

<http://doi.org/10.22133/mtlj.2023.378116.1150>

Feasibility of Transferring Industrial Property Rights in the Platform of the Patent Pools

Mohsen Raeisi^{1*}, Mohammad Hasan Sadeghi Moghaddam², Mahmood Hekmat Nia³

¹ PhD in Private Law, Faculty of Law & Political Science, Tehran University, Tehran, Iran

² Professor in Private Law, Faculty of Law & Political Science, Tehran University, Tehran, Iran

³ Professor in Private Law, Faculty of Law & Political Science, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran

Article Info

Abstract

Original Article

Received:

24-12-2022

Accepted:

07-06-2023

Keywords:

Intellectual Property

Industrial Property

Coalition Agreement

Transfer of Intellectual

Property Rights

Transfer of Industrial

Property Rights

Patent pools are created to leverage the innovations of other market competitors, reduce production costs, increase product quality, and benefit from collective management. However, the legal and contractual aspects of patent pools are controversial. In this regard, investigating patent pools' legal and contractual status is critical to determine whether existing laws solve common anti-competitive practices or if contract structures need modification. This article specifies that the patent pools of competition and intellectual property rights have similar innovation development goals, but each is a different tool. Patent pools are not inherently anti-competitive, but they are very prone to anti-competitiveness due to the presence and agreement of market competitors. In Iran, the law's silence in determining a framework for patent pool regulations considers concluding contracts based on Article 10 of the Civil Code as a practical solution.

***Corresponding author**

e-mail: Raeisi.m@ut.ac.ir

How to Cite:

Raeisi, M., Sadeghi Moghaddam, M. H., & Hekmat Nia, M. (2023). Feasibility of Transferring Industrial Property Rights in the Platform of the Patent Pools. *Modern Technologies Law*, 4(8), 211-225

Published by University of Science and Culture <https://www.usc.ac.ir>

Online ISSN: 2783-3836



<http://doi.org/10.22133/mtlj.2023.378116.1150>

امکان‌سنجی انتقال حقوق مالکیت صنعتی در بستر قرارداد ائتلاف

محسن رئیسی^{۱*}، محمدحسن صادقی مقدم^۲، محمود حکمت‌نیا^۳

^۱ دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۲ استاد گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

^۳ استاد گروه حقوق خصوصی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران

اطلاعات مقاله

چکیده

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۱۰/۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۳/۱۷

واژگان کلیدی:

حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت صنعتی

قرارداد ائتلاف

قرارداد انتقال حقوق مالکیت فکری

قرارداد انتقال حقوق اموال صنعتی

قراردادهای ائتلاف با هدف بهره‌گیری از نوآوری‌های سایر رقبا در بازار و کاهش هزینه‌های تولید و افزایش کیفیت محصولات و بهره‌مندی از مدیریت جمعی تشکیل می‌شوند، اما جنبه‌های قانونی و قراردادی ائتلاف محل بحث است. در این باره لازم است بررسی شود که قراردادهای ائتلاف از چه جایگاه قانونی و قراردادی برخوردارند و با توجه به رویه‌های ضد رقابتی رایج، پاسخ‌گوی انتقال حقوق اموال صنعتی است یا نیاز به اصلاح ساختار قراردادها یا قوانین و مقررات دارد. در این مقاله، پس از بررسی انواع قراردادهای انتقال حقوق اموال صنعتی، مشخص خواهد شد که اولاً، قرارداد ائتلاف حقوق رقابت و قراردادهای انتقال حقوق مالکیت فکری در زمینه توسعه نوآوری اهداف مشابهی دارند اما هریک ابزارهایی متفاوت‌اند که افزایش نوآوری هدف مشترک هر دو است. ثانیاً توافقنامه‌های ائتلاف ذاتاً برخلاف جریان رقابت نیستند؛ ثالثاً در کشور ایران سکوت قانون در تعیین چارچوب قوانین انعقاد قرارداد انتقال به استناد ماده ۱۰ قانون مدنی است.

*نویسنده مسئول

رایانامه: Raeisi.m@ut.ac.ir

نحوه استناددهی:

رئیسی، محسن، صادقی مقدم، محمدحسن، و حکمت‌نیا، محمود (۱۴۰۲). امکان‌سنجی انتقال حقوق مالکیت صنعتی در بستر قرارداد ائتلاف. حقوق فناوری‌های نوین، ۴(۸)، ۲۱۱-۲۲۵.

ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ <https://www.usc.ac.ir>

شاپای الکترونیکی: ۳۸۳۶-۲۷۸۳

مقدمه

حقوق مالکیت‌های معنوی یکی از شاخه‌های نسبتاً جدید حقوقی است که امروزه تأثیر بسزایی در اقتصاد کشورها و تجارت بین‌الملل دارد؛ حتی دور از ذهن نیست که بگوییم در تجارت امروز و رقابت فشرده میان ابرقدرت‌های اقتصادی، مالکیت‌های فکری نقشی هم‌سنگ یا حتی افزون‌تر از مالکیت‌های سنتی ایفا می‌کنند. این مسئله موجب شده است کشورها در راستای حفاظت از مالکیت‌های فکری و تسهیل ورود آن به کشور، چارچوب‌های حقوقی تدوین کنند. وقوع رقابت‌های تجاری، و در مراحل شدیدتر جنگ تجاری، موجب شده که کشورها دائماً چارچوب حقوق مالکیت‌های فکری خود را اصلاح و بهبود بخشند. در این میان، مسئله انتقال مالکیت‌های صنعتی که بخش با اهمیت‌تر مالکیت‌های فکری در رقابت‌های تجاری است، اهمیت دوچندانی دارد؛ به نحوی که کشورها تلاش می‌کنند روند انتقال مالکیت‌های صنعتی به کشور خود را تسهیل و در مواردی از دسترسی سایر کشورها به آن جلوگیری کنند.

انتقال مالکیت‌های صنعتی به طرق مختلف انجام می‌شود که برخی از آن‌ها با شیوه‌های سنتی انتقال در حقوق ایران تطابق ندارد. همچنین چارچوب مشخصی نیز در قوانین ایران پیش‌بینی نشده و قوانین موجود ماهیت شیوه‌های انتقال را به شکل مبهم باقی‌گذارده‌اند. یکی از شیوه‌های انتقال که بسیار رایج و در حقوق ایران کمتر شناخته شده است، توافق‌های موسوم به ائتلاف است. این توافقنامه‌ها، همان‌طور که از نامشان برمی‌آید، توافقی میان شرکت‌های رقیب به‌منظور توسعه محصولات جدید، یکسان‌سازی ویژگی محصولات یا ارتقای آن‌هاست. با توجه به وجود عنصر ادغام و صدور مجوز بهره‌برداری در این قراردادها، تعارض‌هایی میان آن و قواعد حقوق رقابت دست‌یافتنی است که باید در زمان تنظیم قرارداد به آن‌ها توجه شود. فرضیه اولیه مقاله بر این مسئله استوار است که انتقال مالکیت‌های صنعتی در مقابل توافقنامه‌های ائتلاف با قواعد حقوق رقابت در تعارض ذاتی نیست و مطلوب توسعه و بهره‌برداری از اموال فکری قانون‌گذاری یا متناسب‌سازی قرارداد ائتلاف با نیاز طرفین قرارداد انتقال حقوق اموال صنعتی است.

براین اساس، در مقاله حاضر ابتدا مفهوم قرارداد ائتلاف (ویژگی‌ها و قوانین و مقررات مرتبط) بررسی خواهند شد و در ادامه نیز قلمرو قواعد حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری با تمرکز بر جنبه‌های محل رقابت و انتقال مالکیت صنعتی در حقوق ایران و ارائه راهکار بررسی خواهد شد.

۱. قرارداد ائتلاف

قرارداد ائتلاف^۱ اصطلاحی است که برای مدیریت دسته‌جمعی برخی مصادیق مالکیت‌های فکری استفاده می‌شود. معمولاً هدف از ائتلاف نیز افزایش کارایی اختراع، تکمیل‌ترکردن آن یا رفع نواقص موجود در آن است (جعفری چالشری، ۱۳۹۵، ص ۲۳۶). یکی از حقوق‌دانان در تعریف ائتلاف بیان داشته است: «ائتلاف توافقی است میان دارندگان حق اختراع به‌منظور تجمیع حق اختراع‌های خود و اعطای لیسانس به یکدیگر یا شخص ثالث (با توجه به توافق اولیه) تا از طریق آن، کالا یا فناوری جدیدی ارائه شود (Goter, 2011, p. 710)؛ بنابراین «ائتلاف نوعی مشارکت است میان صاحبان حق که حدود آن را طرفین مشخص می‌کنند.» ائتلاف‌ها ویژگی مشترکی دارند و آن این است که دو یا چند صاحب حق اموال فکری با یکدیگر توافق می‌کنند اعمال حقوق انحصاری خود را، که قوانین مالکیت فکری برای آن‌ها به رسمیت شناخته است، جزئاً یا کلاً نسبت به حق اختراع آورده‌شده در ائتلاف اسقاط کنند. بنابراین اساس و ذات ائتلاف در حق اختراع به از بین بردن حق انحصاری و اعطای نوعی «مصونیت» به اعضای ائتلاف در این راستا مربوط است؛ در این حالت دو یا چند واحد اقتصادی با انعقاد قراردادی میان خود، توافق می‌کنند که هریک از آن‌ها مجوز بهره‌برداری از فناوری متعلق به خود را به طرف(های) دیگر قرارداد و واگذار کند تا تمامی اطراف قرارداد بتوانند از فناوری‌های تحت ائتلاف استفاده کنند. در واقع اساس و ماهیت این قراردادها اعطای مجوز بهره‌برداری به یکدیگر (در بین اعضای ائتلاف) به‌منظور استفاده

1. Patent Pool

از فتاوری مشترک یا اعطای مجوز بهره‌برداری به دیگران است. در حقوق ایران با توجه به اصل آزادی قراردادی باید آن را تابع ماده ۱۰ قانون مدنی دانست (عادل و جعفری چالشتری، ۱۳۹۴، ص ۹۹).

قراردادهای ائتلاف به شیوه‌های مختلفی منعقد می‌شوند و معمولاً در زمان انعقاد قرارداد، طرفین قرارداد - که در عمل در بازار رقیب یکدیگرند - تلاش می‌کنند با تشکیل چارچوبی که تضمین‌کننده وجود رقابت باشد، تحت ممنوعیت‌های قانونی رویه‌های ضدرقابتهی قرار نگیرند. انواع توافق ائتلاف به شرح عبارت‌اند از:

الف) توافق ائتلاف محرمانه: در توافق ائتلاف محرمانه، تعدادی از رقبای توافق می‌کنند که با استفاده از حق اختراع‌ها و نوآوری‌های خود، محصولی جدید توسعه دهند؛ به نحوی که محصول نهایی و ویژگی‌های مشترکی داشته باشد. این قرارداد محرمانه بوده و سایر شرکت‌ها یا رقبای نقش یا دخالتی در آن ندارند و از دسترسی سایر رقبای جلوگیری می‌شود.

ب) توافق ائتلاف غیرمحرمانه: در توافق ائتلاف غیرمحرمانه یا توافق باز، تعدادی از رقبای توافق می‌کنند که با استفاده از حق اختراع‌ها و نوآوری‌های خود، محصولی جدید توسعه دهند؛ به نحوی که محصول نهایی و ویژگی‌های مشترکی داشته باشد. این قرارداد برای سایر شرکت‌ها و رقبای نیز در دسترس است و طرفین قرارداد ائتلاف از پیشنهادهای فنی سایرین در تولید محصولات خود استفاده می‌کنند.

ج) توافق ائتلاف ترکیبی: در توافق ائتلاف ترکیبی، در مرحله اول توافق محرمانه است و فتاوری‌های اصلی طبق توافق محرمانه توسعه می‌یابد؛ اما در ادامه، فعالیت به صورت باز درآمده و از پیشنهادها و همکاری‌های فنی سایر رقبای نیز استفاده می‌شود.

در حقوق ایران، عنوان «ائتلاف» به منزله قراردادی خاص وجود ندارد. شاید نزدیک‌ترین نهاد به آن گروه اقتصادی منافع مشترکی داشته باشد. درباره تعریف گروه اقتصادی با منافع مشترک نظریه واحدی وجود ندارد و اختلافاتی که درباره ماهیت این گروه‌ها وجود دارد در تعریف آن نیز تأثیر گذاشته است. برخی این گروه‌ها را دارای ماهیتی مستقل دانسته‌اند، برخی آن را در قالب مشارکت مدنی تفسیر کرده‌اند و دسته دیگر، گروه منفعت اقتصادی را نوعی از سرمایه‌گذاری مشترک (joint venture) دانسته‌اند. به همین دلیل از بیان تعاریف گوناگون موجود پرهیز و به این بسنده می‌شود که: «اصطلاح گروه منفعت اقتصادی با منافع مشترک به معنای ایجاد تشکیلاتی برای استفاده مشترک شرکت‌های رقیب می‌باشد» (رستم‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۴۰). براین اساس، گروه منفعت اقتصادی نوعی شیوه همکاری بین بنگاه‌های مختلف بوده و می‌تواند در قالب مشارکت مدنی و انواع شرکت‌های دیگر درآمده یا شکل هیچ‌یک از نهادهای حقوقی موجود را نداشته و فقط رابطه‌ای قراردادی بین طرفین آن باشد. برخی از حقوق‌دانان، این گروه‌ها را با عناوین دیگری از جمله: «مشارکت تجارتهی بین‌المللی» (خزائی، ۱۳۶۹، ص ۵۵)، «تعهد مشترک» (امام، ۱۳۷۳، ص ۱۲۱) و حتی «مشارکت انعطاف‌پذیر» (خزائی، ۱۳۶۹، ص ۵۶) نامیده‌اند که معادل دقیقی نیست.

در قانون احکام دائمی، برنامه‌های توسعه کشور در خصوص تعریف گروه منفعت اقتصادی بیان شده است: «تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک با مشارکت دو یا چند شخص حقیقی و حقوقی به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری برای یک دوره محدود و براساس قراردادی کتبی پس از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها در قالب شرکت مدنی و ضوابط و شرایط مربوط به آن و با رعایت موازین اسلامی و اصل منع اضرار به غیر و منع انحصار مجاز است» (ماده ۲۴ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور). به نظر می‌رسد که بتوان قراردادهای ائتلاف را زیرمجموعه‌ای از گروه اقتصادی با منافع مشترک دانست. در واقع، طبق تعریفی که از قرارداد ائتلاف ارائه شد، همکاری تعدادی از رقبای برای ایجاد حق اختراع یا محصول جدید، می‌تواند در زمره مصادیق گروه اقتصادی با منافع مشترک قرار گیرد؛ البته نظریاتی نیز وجود دارد که لازمه ایجاد گروه منفعت اقتصادی را ایجاد شخصیت حقوقی جدید و مجزا از ایجادکنندگان آن می‌داند (علوی باجگانی، ۱۳۹۸). هرچند این شناخت ماهیت برای توافق ائتلاف مشکل‌چندان را از حیث ماهیت، شرایط و آثار آن حل نمی‌کند؛ زیرا ماهیت و آثار خود گروه منفعت اقتصادی نیز به نحو صحیحی در قانون ایران مشخص نشده است.^۱

۱. در خصوص ماهیت این ابداع قانون‌گذار ایران نظریات فراوانی ارائه شده است، اما موضوع بحث مقاله حاضر نیست و از بیان آن خودداری می‌شود. مهم دانستن این مسئله است که حتی اگر قرارداد ائتلاف را نوعی از گروه منفعت اقتصادی بدانیم، باز هم چیزی از ابهام موضوع کم نمی‌شود؛ چراکه خود گروه منفعت اقتصادی نیز از وجود مختلف بسیار مهم است.

۲. انتقال مالکیت‌های صنعتی

انتقال مالکیت‌های صنعتی به شیوه‌های گوناگونی انجام می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها قراردادهای واگذاری، مجوز بهره‌برداری، انتلاف، فرانسیز، بیع و صلح هستند؛ البته قرارداد صلح بیشتر در حقوق ایران رایج است.

۲-۱. مجوز بهره‌برداری

«عقد لیسانس قراردادی است که به موجب آن مالک انحصاری یک حق بهره‌برداری، انتفاع از تمام یا بخشی از آن حقوق را به شخص دیگری واگذار می‌کند و در عین حال دارنده این حقوق نیز می‌تواند بهره‌برداری داشته باشد، چنین قراردادی غالباً به صورت معوض منعقد می‌شود و ذی‌نفع (لیسانس‌گیرنده) متعهد به پرداخت مبلغی پول می‌شود که معمولاً در قالب اقساط پرداخت می‌گردد» (Telesio, 1984, p. 178). ماده ۳۹ قانون ثبت علائم، اختراعات و طرح‌های صنعتی بیان می‌دارد: «دارنده ورقه اختراع می‌تواند مالکیت یا حق استفاده از موضوع اختراع خود را کلاً یا جزئاً به هر طریقی که بخواهد به دیگری منتقل نماید»^۱.

۲-۲. واگذاری

«قراردادی است که مالکیت تمام یا بخشی از حقوق انحصاری اختراع، به همراه علایق آن، به صورت فوری، دائمی و اغلب به صورت معوض و ندرتاً بلاعوض بدون این که محدود به زمان یا مقید به شرط خاصی باشد، به طرف دیگر قرارداد منتقل می‌شود. براین اساس، رابطه انتقال‌دهنده با موضوع حق یا حقوق واگذار شده به کلی قطع می‌شود و مالکیت به انتقال‌گیرنده منتقل خواهد شد؛ بنابراین، پس از قرارداد واگذاری اختراع، در صورتی که هیچ شرطی در قرارداد نیامده باشد، انتقال‌دهنده هیچ‌گونه حقی نسبت به حقوق واگذار شده نخواهد داشت» (مظاهری کوهانستانی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۵).

۲-۳. فرانسیز

«فرانسیز»^۲ یک سیستم قراردادی برای فعالیت مشترک میان دو شخص مستقل است که طی آن، یک طرف (امتیازدهنده) در مقابل پرداخت (پول و غیر آن) و تحت شرایط معین، حق ساخت و فروش محصول و همچنین حق استفاده از علامت تجاری یا نام تجاری را به طرف دیگر (امتیازگیرنده) اعطا می‌کند. افزون‌براین، امتیازدهنده خدمات فنی، کمک فنی و دانش فنی در اختیار طرف دیگر می‌گذارد و خدمات فنی را تا زمان تولید حمایت می‌کند و همچنین شیوه‌های تجاری خود را به وی می‌آموزد و در طول استفاده، از نظر علمی نیز حمایت می‌کند. قراردادهای فرانسیز عمدتاً با اهداف بازاریابی منعقد می‌شوند (هداوند، ۱۳۸۴، ص ۴۰).

۲-۴. بیع

طبق ماده ۵ (قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان پدیدآورندگان آثار مورد حمایت این قانون می‌توانند حقوق مادی خود را (به غیر واگذار کنند. این انتقال به دو شکل محقق می‌شود:

(۱) انتقال اختیاری که خود دو شکل دارد:

اول: انتقال حق به وسیله شخص پدیدآورنده به دیگری

دوم: انتقال حق بهره‌برداری از طریق اعطای مجوز بهره‌برداری

(۲) انتقال قهری:

۱. ماده ۳۹ قانون ثبت علائم، اختراعات و طرح‌های صنعتی مصوب ۱۳۸۶

اول: بر اثر فوت پدیدآورنده به قائم‌مقام وی

دوم: بر اثر توقیف درخواست تأمین تا قبل از انتشار اثر

با توجه به این‌که مقنن انتقال حق مالی را فروش نامیده و با توجه به ماده ۳۳۸ قانون مدنی، چنین انتقالی بیع حق به حساب می‌آید و مشمول قواعد آن قرار می‌گیرد؛ البته معین و محدود بودن دوره حمایت از این آثار، از این حیث مشکل‌زا بوده و به سختی می‌توان انتقال حقی را که محدود به زمانی معین است بیع دانست. براین اساس، گفتنی است علاوه بر عین نبودن این اموال، که مانعی برای استفاده از این قرارداد است، مسئله محدود بودن دوره حمایت از این حقوق است؛ زیرا این امر موجب می‌شود خریدار به صورت منتفع و نه مالک جدید این حقوق دربیاید؛ بنابراین انتقال با شیوه بیع بسیار دشوار و مشکل‌زاست.

در توضیح بیشتر موارد ذکر شده گفتنی است در سه مورد اول، انتقال مادی و معنوی انجام شده است؛ به طوری که در مجوز بهره‌برداری انتفاع یا بهره‌برداری کلی یا جزئی را به شخص یا اشخاص دیگری واگذار می‌کند و خود نیز همچنان امکان بهره‌برداری دارد؛ اما در قرارداد انتقال، که نزدیک‌ترین شیوه انتقال به بیع است، مالکیت مادی و معنوی به صورت کلی یا جزئی به شخص یا اشخاص دیگر واگذار می‌شود و سپس واگذارکننده مالکیت نداشته و امکان تولید نیز ندارد؛ اما روش سوم قرارداد فرانشایز است. در این روش، که به روش واگذاری نزدیک‌تر است، صاحب امتیاز با واگذاری حق ساخت و فروش شرایط استفاده را برای امتیازگیرنده فراهم می‌کند و نکته شایان ذکر، حمایت فنی و پشتیبانی علمی و تجربی صاحب امتیاز برای امتیازگیرنده است.

۳. نوآوری هدف مشترک ثبت اختراع و حقوق رقابت

معمولاً قواعد حقوق مالکیت فکری با شناخت حقوق انحصاری در مدت معین برای دارنده حق، انگیزه کافی برای نوآوری را ایجاد می‌کنند. در مقابل، حقوق رقابت تلاش دارد با حذف رویه‌های ضد رقابتی و از جمله انحصار، شرایط بازار را به شرایط بازار رقابتی نزدیک کند و از طریق رقابت سالم، کیفیت محصولات را افزایش و قیمت‌ها را به سمت قیمت تعادلی متمایل کند؛ بنابراین در بادی امر به نظر می‌رسد میان اهداف حقوق رقابت و حقوق مالکیت فکری تعارض وجود دارد و اشتراکی در هدف ندارند، اما دقیق که بنگریم متوجه خواهیم شد که نوآوری نقطه مشترک هر دو است. نوآوری محرک رشد اقتصادی بوده و با فراهم آوردن ایده‌های جدید، محصولات و خدمات به بازار مشکلات و کمبودها را حل کرده و سطح زندگی را بهبود می‌بخشد؛ بنابراین نوآوری به نفع مصرف‌کنندگان است و به همین دلیل مالکیت فکری برای اقتصاد هر کشوری واجد اهمیت حیاتی است. برای مثال، دولت امریکا اخیراً طبق گزارشی اعلام کرد که صنایع نیازمند مالکیت فکری حداقل ۴۵ میلیون شغل در امریکا را حمایت کرده (تقریباً ۳۰ درصد همه مشاغل در ایالات متحده) و بیش از ۶ تریلیون دلار یا ۳۸/۲ درصد به تولید ناخالص ملی کمک می‌کنند. مالکیت فکری تقریباً در تمامی بخش‌های اقتصاد امریکا استفاده می‌شود (Antonipillai & Lee, 2016).

گذشته ثابت کرده است که شرکت‌ها در بخش‌های تحقیق و توسعه خود سرمایه‌گذاری می‌کنند تا از این طریق، محصولات را با استفاده از رویکرد «نوآوری بسته»^۱ به بازار عرضه کنند. رویکرد مزبور مبتنی بر این ایده است که مراحل تحقیق و توسعه، ایجاد نوآوری و ثبت آن درون خود شرکت انجام می‌شود. در مقابل، با مشخص شدن ارزش استفاده از نوآوری‌هایی که از طریق شرکت‌های دیگر توسعه داده شده و تأثیر آن در توسعه بیشتر شرکت، رویکرد «نوآوری باز»^۲ به تدریج توسعه یافت. رویکرد نوآوری باز تسهیل‌کننده‌ی تقسیم کار بین شرکت‌هایی است که بر تحقیق و توسعه تمرکز دارند و شرکت‌هایی که بر تولید متمرکزند. این همکاری می‌تواند سرعت نوآوری را افزایش دهد و به توزیع وسیع‌تر و سریع‌تر محصولات جدید به مصرف‌کنندگان منجر شود. نوآوری باز به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا از نوآوری خارجی برای حمایت از

1. Closed Innovation
2. Open Innovation

توسعه محصولات خود استفاده کنند. این مدل شامل همکاری از طریق قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک یا انتقال فناوری از طریق قراردادهای اعطای مجوز و ... است.^۱

حقوق مالکیت فکری به طرق گوناگون نوآوری و انتقال فناوری را توسعه می‌دهد. توانایی کسب حقوق قانونی که اجراءشده است، اشخاص و شرکت را ترغیب می‌کند که خطر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه را بپذیرند و از این طریق، محصولات و خدمات جدیدی را ایجاد کنند و باعث ارتقای کیفیت شوند. حقوق مالکیت فکری، دریافت گرامت برای استفاده از نوآوری و ایجاد بازار برای تولید ایده‌ها را تسهیل می‌کند. مالکیت فکری همچنین از نوآوری در برابر خطرات نهفته در فرایندهای پیچیده توسعه محافظت می‌کند. برای مثال، سیستم ثبت اختراع دیگران را از ایجاد، استفاده یا فروش اختراعی ثبت‌شده برای مدت معین منع می‌کند و بدین‌شکل از صاحب حق در برابر کپی‌برداری محافظت می‌کند؛ زیرا در غیر این صورت انگیزه افراد برای سرمایه‌گذاری در نوآوری‌ها از بین می‌رود. سیستم حق اختراع با ایجاد حقوق قانونی به صاحب حق انگیزه سرمایه‌گذاری در اختراع و تکمیل آن را می‌دهد و همچنین با الزام به افشای عمومی اختراع، امکان متناسب‌سازی و همچنین ایجاد نوآوری‌های جدید براساس آن را فراهم می‌آورد.

حقوق رقابت نیز به‌نوبه خود موجب افزایش نوآوری‌ها می‌شود. اساساً رقابت پویا رقابتی است که براساس ارائه محصولات یا خدمات بهتر اتفاق می‌افتد و عنصر اصلی در ارائه محصول و خدمت بهتر همان نوآوری است. در واقع، حقوق رقابت با محدودکردن رویه‌های ضدرقابتی، مسیر رقابت را به سمت افزایش نوآوری، کاهش قیمت و ارتقای محصولات و خدمات هدایت می‌کند. در نتیجه، حقوق رقابت با منع اعمال ضدرقابتی و ترویج رقابت صحیح، تأثیر بسزایی در رفاه مصرف‌کننده دارد.^۲ بنابراین باید پذیرفت که سیاست‌های حقوق مالکیت فکری و حقوق رقابت، در هدف مشترکشان برای پیشبرد نوآوری همسو هستند.^۳ از منظر دادگاه‌های ایالات متحده: «اهداف قوانین ثبت اختراع و قوانین ضدانحصار ... در حقیقت مکمل هم هستند؛ زیرا هدف هر دو آن‌ها پیشبرد نوآوری، صنعت و رقابت می‌باشد.»^۴ در نهایت، حقوق مالکیت فکری نباید صرفاً در حکم قواعدی در راستای حمایت از دارندگان این حقوق در برابر رقابت در نظر گرفته شوند؛ بلکه باید در اصل این‌گونه تلقی شوند که قواعد حقوق مالکیت فکری شرکت‌ها را تشویق می‌کنند تا وارد رقابت شوند؛ به‌خصوص رقابتی که در بردارندهی خطر و سرمایه‌گذاری بلندمدت است.

۴. رویکردهای ضدرقابتی در قراردادهای ائتلاف

معمولاً در توافقنامه‌های ائتلاف از مشارکت‌کنندگان درخواست می‌شود تا هر گواهی ثبت اختراعی را که در خصوص محصول مدنظر دارند اعلام و تعهد کنند که در صورت لزوم، مجوز بهره‌برداری از آن را به‌صورت غیرتبعیض‌آمیز و تحت شرایط منطقی به اعضای ائتلاف اعطا می‌کنند. در بادی امر، به‌نظر می‌رسد که با یکسان‌سازی ویژگی‌های محصول یا ساخت محصول مشترک، جریان آزاد رقابت به خطر می‌افتد؛ چراکه تعدادی از شرکت‌های رقیب به این کار اقدام کرده‌اند؛ اما بررسی بیشتر موضوع نشان خواهد داد که نباید چندان به ظاهر اولیه توجه کرد و در صورتی که

1. U.S. FED. TRADE COMM'N, THE EVOLVING IP MARKETPLACE: ALIGNING PATENT NOTICE AND REMEDIES WITH COMPETITION 33-34 (2011), <https://www.ftc.gov/sites/default/files/documents/reports/evolving-ip-marketplace-aligning-patent-notice-and-remedies-competition-report-federal-trade/110307patentreport.pdf>.

2. Dynamic competition refers to successive rounds of competition, which can maximize what economists refer to as dynamic efficiency. "Once a product or standard achieves wide acceptance, it becomes more or less entrenched. Competition in such industries is 'for the field' rather than 'within the field.' In technologically dynamic markets, however, such entrenchment may be temporary, because innovation may alter the field altogether." United States v. Microsoft Corp., 253, DEMOCRACY 81-90 (Harper Perennial 1976) (1942)). "Rapid technological change leads to markets in which 'firms compete through innovation for temporary market dominance, from which they may be displaced by the next wave of product advancements.'" Id. (quoting Howard A. Shelanski & J. Gregory Sidak, Antitrust Divestiture in Network Industries, 68 U. CHI. L. REV. 1, 11-12 (2001) "discussing Schumpeterian competition, which proceeds 'sequentially over time rather than simultaneously across a market'").

3. U.S. DEP'T OF JUSTICE & FED. TRADE COMM'N, ANTITRUST ENFORCEMENT AND INTELLECTUAL PROPERTY (RIGHTS: PROMOTING INNOVATION AND COMPETITION 1 (2007), <http://www.ftc.gov/reports/innovation/P040101PromotingInnovationandCompetitionrpt0704.pdf>.

4. Atari Games Corp. v. Nintendo of Am., Inc., 897 F.2d 1572, 1576 (Fed. Cir. 1990).

مواردی مانند توافق بر سقف قیمت، میزان تولید و غیره صورت نگرفته باشد، امکان رقابت میان رقبای سابق همچنان موجود است. بنابراین، فرض بر این است که یکسان‌سازی ویژگی‌های محصولات توسط رقبا یا ایجاد محصول واحد رویه‌ای ضدرقابتی نیست. با این حال، اگر فعالیت مدنظر رقابت را در بازارهای مربوطه محدود کرده یا تهدید کند، که مانع از رقابت منصفانه براساس محدودیت‌های زیر شود، تحت قواعد حقوق رقابت قرار می‌گیرد:

(۱) محدود کردن قیمت محصولات جدید: در برخی موارد رقبایی که اقدام به یکسان‌سازی محصولات خود کرده‌اند به‌طور مشترک قیمت‌ها و سهمیه فروش را تعیین و از این طریق فعالیت‌های بازاریابی و... مربوط به محصولات جدید را محدود می‌کنند.^۱

(۲) محدود کردن ایجاد ویژگی‌های جایگزین: رقبای درگیر در این فعالیت، ایجاد ویژگی‌های جدید در محصولات را محدود می‌کنند و یا خود، مشخصات جایگزین را برای تولید و توزیع محصولات اتخاذ می‌کنند. این رویکرد می‌تواند به‌منزله محدودیت غیرمنطقی تجارت، معامله با شرایط محدودکننده و... رویه‌ای ضدرقابتی شناخته شود؛ چراکه در عمل، توانایی رقبا برای رقابت با یکدیگر با ایجاد ویژگی‌های جدید در محصولات را کاهش می‌دهد. نمونه مشخص و ملموس را باید خودروسازان داخلی دانست که متأسفانه پیشرفت محصولاتشان کاملاً محدود شده است.

(۳) گسترش دامنه مشخصات به‌طور غیرمنطقی: رقبای درگیر در فعالیت، مشترکاً ویژگی‌هایی را در محصولاتشان توسعه می‌دهند که ضروری نیستند و هدف از آن‌ها محدود کردن رقابت برای عرضه محصولات جدید است؛ بدین مفهوم که با ایجاد مشخصه‌های فنی بعضاً غیرضروری دامنه رقابت را برای دیگر رقبا محدود می‌کند؛ برای مثال استفاده از عنوان نانو که در بسیاری موارد فقط ادعاست.

(۴) حذف کردن پیشنهادهای فنی از رقبا به‌طور غیرمنطقی: اگر رقبا به‌صورت عمدی و بدون دلیل قانع‌کننده‌ای از پیشنهادهای فنی ارائه‌شده به‌دست یک رقیب خاص در فرایند ایجاد یا بهبود محصول جلوگیری کنند، رویکرد مزبور می‌تواند رویه‌ای ضدرقابتی باشد (برای مثال به‌منزله رفتار تبعیض‌آمیز در فعالیتی هماهنگ و...).

(۵) حذف رقبا از فعالیت‌ها: رقبا عمداً رقبای خاصی را که به‌طور عمده در عرضه و توزیع محصولات مزبور مشارکت نکرده‌اند از فعالیت حذف می‌کنند (انحصار خصوصی و غیره).

در نتیجه مشخص است که برخی اقدامات، یک قرارداد ائتلاف را به قراردادی ضدرقابتی تبدیل می‌کند و لازم است که مقرراتی در این باره پیش‌بینی شود و راهکارهای قانونی در حقوق موضوعه برای مقابله با این فعالیت‌ها نیز بررسی شوند.

۵. رویکرد مناسب در تنظیم مقررات قرارداد ائتلاف

با توجه به این‌که در قراردادهای ائتلاف، شاهد ادغام برخی فعالیت‌ها و همچنین صدور مجوز اختراعات برای طرفین توافق هستیم، مشخص است که ماهیت اقدامات مزبور با تلاشی مشترک برای توسعه محصولات متفاوت است و در نتیجه آثار آن بر رقابت نیز متفاوت است؛ بنابراین مشخص است حتی در مواردی که اصل فعالیت رویه ضدرقابتی ندارد، مسائل مربوط به ادغام و صدور مجوز حق اختراع نیاز به بررسی دارد. معمولاً طرفین مشارکت‌کننده در توافق ائتلاف، به‌منظور شناسایی تمامی دارندگان گواهی ثبت اختراع و نیز انعقاد قرارداد صدور مجوز با هریک از آن‌ها هزینه‌های بالایی اختصاص می‌دهند. یکی از مزایای قرارداد ائتلاف این است که با تقسیم کردن این هزینه‌ها میان اعضا، روند استفاده مشترک از حق اختراع‌های موجود را تسهیل می‌کند. با توجه به این‌که نتیجه نهایی این فرایند، اعطای مجوز بهره‌برداری برای تمامی اعضاست، این فرایند در ظاهر به ترویج رقابت می‌انجامد. با وجود این، اگر رقبا گواهی‌های ثبت اختراع خود را ادغام کنند، ممکن است با محدود کردن متقابل استفاده از گواهی‌های ثبت اختراع و نیز با محدود کردن تجارت دارندگان مجوز در بازارهای پایین دستی، رقابت را محدود کنند. همچنین،

۱. زمانی که یک فعالیت تنظیم مقررات به‌طور مؤثر فعالیت پژوهشی و توسعه مشترک باشد که در آن، تعداد محدودی از شرکت‌های رقیب به‌طور مجزای محصول جدید را با هدف تنظیم I ((در «دستورالعمل‌های مربوط به تحقیق 9/8-مقررات از طریق رقابت، تولید و ارائه می‌کنند، چنین محدودیت‌هایی احتمالاً برای پیشبرد فعالیت‌های آن‌ها لازم است (به بخش ۲-۱) - و توسعه مشترک تحت قانون ضد انحصار»، نکته ۱۴ رجوع شود).

در صورتی می‌توان گفت که فعالیت مزبور مروج رقابت است یا مخل رقابت نیست که سهم طرفین حاضر در قرارداد ائتلاف در بازار، آن‌چنان بالا نباشد و یا جایگزین‌های کافی برای محصول آن‌ها در بازار وجود داشته باشد. در عین حال درباره محدودیت‌های احتمالی که در قرارداد برای اعضا در نظر گرفته می‌شود، هر نوع محدودیتی را نمی‌توان ضد رقابتی دانست، بلکه محدودیت‌های مدنظر باید تحت قواعد حقوق رقابت ممنوع باشد. برای مثال، تعیین قیمت کالا یا سهمیه - در صورتی که سهم اعضای ائتلاف بیشتر از ۲۰ درصد بازار مربوط باشد - رویه مزبور رویه‌ای ضد رقابتی است.^۱

با توجه به این که این قراردادها در نفس خود برخلاف قواعد حقوق رقابت نیستند، قاعده مناسب برای اعمال درباره آن‌ها قاعده معقولیت است که در ادامه، کاربرد قاعده درباره قراردادهای ائتلاف به صورت کلی بیان شده و در نهایت، در خصوص رویه‌های مظنون به نقض رقابت، براساس اعمال قاعده مزبور در حقوق ایران راهکار ارائه خواهد شد.

۱-۵. اهمیت آزادی در اعطای مجوز

آزادی صاحب حق در اعطا یا عدم اعطای مجوز بهره‌برداری و همچنین در تعیین شرایط آن، در توسعه سیستم مالکیت فکری امری اساسی است. دادگاه‌های امریکایی به کرات بر این نکته تأکید کرده‌اند که مخالفت فرد با اعطای مجوز به ندرت امری خلاف قواعد رقابت است. براساس نظر ایشان: «مسئولیت بر مبنای قواعد ضد رقابت صرفاً به دلیل مخالفت‌های یک‌جانبه برای اعطای مجوز، نقش معنی‌داری را در رابطه بین قواعد مالکیت فکری و قواعد رقابت، ایفا نمی‌کند»^۲.

در واقع قواعد رقابت با هدف حمایت از رقبا مسئولیتی را بر دوش صاحب حق نمی‌گذارد؛ چراکه این امر قطعاً موجب کاهش انگیزه در نوآوری می‌شود.^۳ (اعمال مسئولیت در صورت عدم اعطای مجوز تالی فاسد دیگری نیز دارد؛ زیرا اگر سایر رقبا احتمال دهند که در نهایت دولت صاحب حق را ملزم به اعطای مجوز خواهد کرد، قطعاً در ایجاد نوآوری سرمایه‌گذاری نکرده و منتظر الزام صاحب حق از سوی دولت خواهند ماند؛ بنابراین دادگاه‌ها این رویکرد را، که صاحب حق باید رقبای خود را نیز در نظر گیرد، رد کرده‌اند و دادگاه عالی ایالات متحده دکتترین «تسهیلات اساسی» را در زمینه مالکیت فکری (یا هرگونه مالکیت)، به رسمیت نشناخته است.^۴

همچنین انحصارگران قانونی (مانند دارندگان حق اختراع) در قیمت‌گذاری انحصاری آزادند. شاید این امر در ابتدا رویکردی نامناسب به نظر برسد، اما اگر قیمت‌های دارندگان حق اختراع به وضوح بالا باشد، چشم‌انداز کسب سود اقتصادی می‌تواند نوآوری رقبا و ورود تازه‌واردان را تشویق کند، امری که در نهایت به افزایش رقبا و حرکت به سمت بازار رقابتی منجر می‌شود.^۵ در مقابل، دخالت دولت در قیمت‌گذاری و کنترل قیمت ممکن است مزایای قیمت‌گذاری بازار محور را تضعیف کند و به تخصیص نادرست منابع منجر شود.

۲-۵. اعمال قاعده معقولیت در قراردادهای ائتلاف

قاعده معقولیت، که معادل «The rule of reason» است، از دو واژه کلیدی «rule» به معنای قاعده، حکم و قانون و «reason» به معنای دلیل، سبب، علت، عقل، استدلال‌کردن و دلیل آوردن تشکیل شده است. برخی قاعده معقولیت را قاعده‌ای قانونی می‌دانند که پرونده‌های

۱. طبیعتاً ارزش بازار یک ادغام در بازار مرتبط با مشخصات، بر مبنای نسبت محصولات تولیدشده پس از اخذ مجوز از ادغام در بازار (شامل محصولات تولیدشده و بازاریابی‌شده از طریق شرکت‌هایی که گواهی ثبت اختراع خود را در ادغام قرار می‌دهند) به محصولاتی تخمین زده می‌شود که با مشخصات و سایر محصولاتی که کارکردها و تأثیرات مشابهی دارند مطابق‌اند.

2. 2007 IP REPORT, op.cit, pp. 27-28, 32.

3. U.S. DEP'T OF JUSTICE & FED. TRADE COMM'N, ANTITRUST GUIDELINES FOR THE LICENSING OF INTELLECTUAL PROPERTY § 3.3 (2017) (hereinafter IP GUIDELINES). <https://www.justice.gov/atr/IPguidelines/download>.

citing Verizon Commc'ns Inc. v. Law Offices of Curtis V. Trinko, LLP, 540 U.S. 398, 407-08 (2004); United States v. Colgate & Co., 250 U.S. 300, 307 (1919); U.S. DEP'T OF JUSTICE & FED. TRADE COMM'N, op.cit, pp. 27-28.

4. See Verizon Commc'ns Inc. v. Law Offices of Curtis V. Trinko, LLP, 540 U.S. 398, 411 (2004).

5. Where bilateral negotiation to agreed-upon terms fail, U.S. courts are empowered to award, "no less than a reasonable royalty," upon finding infringement of a valid and enforceable patent claim. 35 U.S.C. § 281.

ضد رقابتی را با آن بررسی می‌کنند و نسبت به تنفیذ و عدم تنفیذ این توافقات تصمیم‌گیری می‌کنند (Krnjak, 2012). در تعریفی دیگر، قاعده معقولیت تحلیلی استاندارد است که دادگاه‌ها پذیرفته‌اند که تعیین کنند آیا رویه‌های خاص تجاری، که به‌وضوح مفید نیستند، به قانون شرمین تخطی یا نقضی وارد می‌کنند یا خیر (Schneidman, 1979, p. 1047).

به‌طور کلی تحدیدات حاصل از روابط بنگاه‌ها و توافقات آن‌ها در سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند: ۱. تحدیدات نامشروع؛ ۲. تحدیدات مکنون؛ ۳. تحدیدات مشروع (رهبری، ۱۳۹۲، ص ۳۸۷). قاعده معقولیت صرفاً در توافقات و رویه‌هایی که از قبل آثار مثبت و منفی آن مشخص و معلوم نیست اعمال‌شدنی است که می‌توان گفت همان تحدیدات مکنون هستند؛ زیرا تحدیدات مشروع فاقد مشکل و مسئله ضد رقابتی است و تحدیدات نامشروع ذاتی نیز به دلیل تأثیرات سوء و مخربی که داشته بدون نیاز به بررسی ممنوع اعلام شده است که به‌صورت مصداقی آن‌ها را نام برده‌اند؛ از جمله تثبیت قیمت افقی، تبانی در معاملات رقابتی، تقسیم بازار، تحریم گروهی و... به‌جز موارد مذکور، کلیه تحدیدات و رویه‌های ضد رقابتی از طریق قاعده معقولیت بررسی و ارزیابی می‌شود و این رویه همچنان به‌سوی قاعده معقولیت در حال پیشرفت است؛ به‌طوری که امروزه بسیاری از مصداقی قاعده ذاتاً نامعقول به علت پیچیدگی بازار و محصولات، تعاملات ناگزیر بنگاه‌ها از شمول آن خارج و تحت قلمرو قاعده معقولیت قرار گرفته‌اند. این فرایند تا بدان‌جا پیش رفته که امروزه گاه برخی از پایان حیات قاعده ذاتاً نامعقول سخن به میان می‌آورند (غفاری فارسانی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۳).

بنابراین قاعده معقولیت در کلیه رویه‌های ضد رقابتی، اعم از اعمال یک‌جانبه یا دوجانبه ادغام‌ها، اعمال‌شدنی است؛ مگر در مواردی که به‌منزله موارد ذاتاً نامشروع اعلام شده باشد که در این موارد، نمی‌توان استثنا قائل شد. قاعده معقولیت عناصری دارد که در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

الف) معقولیت یا معقول‌بودن^۱: معقولیت یا معقول‌بودن به این معناست که آیا اصولاً اعمال محدودیت در مورد خاصی که در دادگاه مطرح شده معقول است یا خیر. برای مثال، اگر راهکارهای جایگزینی وجود داشته باشد که بتوان بدون اعمال محدودیت به همان نتایج رسید، قطعاً اعمال محدودیت نقض جریان رقابت خواهد بود یا اگر نتیجه مدنظر بدون اعمال محدودیت یا با محدودیت‌های کمتر قابل تحصیل باشد، در این مورد نیز اعمال محدودیت معقول نخواهد بود. در پرونده *United States v. Addyston Pipe & Steel Co* قضای تفت از باب عنصر معقولیت بیان داشته است که محدودیت‌های آشکار هدفی جز محدود کردن تجارت نداشته‌اند و به‌طور کلی نامشروع‌اند و محدودیت‌هایی که «عقلاً ضروری است اگر عقلاً پذیرفته و محدود شده به حمایت ضروری از انجام دادن اصول قراردادی از طرف معامله یا قراردادی صحیح است» بنابراین در اینجا نیز واژه «ضرورت عقلی»، که همان عنصر قاعده معقولیت به مفهوم معقول‌بودن است، ذکر شده است (Feldman, 2007, p. 56).

حال قاعده معقولیت چه ثمره‌ای برای بررسی قراردادهای ائتلاف دارد؟ در برخی موارد، فقدان انحصار یا عدم تحدید رقابت می‌تواند به انجام‌نشدن برخی فعالیت‌های حیاتی منجر شود. برای مثال، برخی پروژه‌ها مانند پروژه‌های فضایی، زیرساختی و... اصولاً در ابعادی هستند که تأمین هزینه‌های آن‌ها یا به همکاری کلیه رقبای بازار نیاز دارد یا لازم است با برقراری سیستم بهره‌برداری انحصاری - مانند آنچه در قراردادهای ساخت (بی. او. تی) وجود دارد - سرمایه‌گذاران را حاضر به سرمایه‌گذاری کند. قراردادهای ائتلاف نیز در برخی موارد چنین رویکردی دارند؛ به‌نحوی که برخی از اقدامات ضد رقابتی در آن‌ها، در نهایت به نفع اقتصاد خواهند بود و افزایش رفاه مصرف‌کننده را در پی خواهند داشت. مشخص است که بررسی مصداقی این موارد به وجود قاعده‌ای برای بررسی موضوع نیاز دارد. با توجه به توضیحی که در مورد قاعده معقولیت و شرایط اعمال آن ارائه شد، به‌نظر می‌رسد که استفاده از قاعده مزبور معیار و محکی برای بررسی این نوع از قراردادهاست. به‌اختصار، اقدام ضد رقابتی، که واجد وصف معقولیت بوده، می‌تواند خسارت‌های وارده را جبران کند و لطمه خیلی جدی به جریان رقابت وارد نکند و قانون‌گذار

و دادگاه‌ها می‌توانند آن را بپذیرند؛ البته اجرای این امر، به قانون‌گذاری در مورد اعمال قاعده معقولیت در حقوق ایران و تعیین شرایط و شیوه اعمال آن نیاز دارد.

ب) مزیت جبرانی^۱: مزیت جبرانی به این معناست که آیا در مقابل لطمه‌ای که از اقدام ضدرقابتی وارد شده است، منابع شایان توجهی برای جامعه ایجاد شده است که بتوان براساس آن اقدام مزبور را مجاز دانست یا خیر. در پرونده «زغال سنگ آپالچی»^۲ چنین اظهار شده است که «این شرکت، شمار زیادی از تولیدکنندگان زغال سنگ در سه ناحیه ایالتی و یک عامل خریدوفروش انحصاری را مشخص کرده است که تمام قیمت گذاری و خریدوفروش‌ها را کنترل کنند.» دادگاه بیان داشت که رقابت بین تولیدکنندگان حذف شده است، اما نتایج شایان توجهی در این پرونده وجود دارد. شرکت‌های زغال سنگ در آن زمان در حال فروپاشی بود. صنعت بیشتر از تقاضا گسترش یافته و با افزایش در استفاده از سوخت جایگزین مواجه شده بود. همچنین رویه‌های مخرب و زیان‌آور در بین تولیدکننده‌ها افزایش یافته بود. دادگاه به نفع تولیدکنندگان و مشتریان به طور وابسته توجه داشته است که اگر این ائتلاف اجازه داده نشود، بسیاری از تولیدکنندگان شکست می‌خورند؛ یعنی ورشکست می‌شوند و بسیاری از شاغلان بی‌کار می‌شوند و بسیاری از عوام (مردم)، که از این تولیدها بهره می‌برند، بیچاره می‌شوند. دادگاه در این پرونده چنین استدلال کرد: واقعیت این است که طرفین در این توافق رقابت را میان خود از بین برده‌اند، اما این برای محکوم کردن آن‌ها کافی نیست.

ج) ضرر رقابتی^۳: میزان ضرری که رویه‌های ضدرقابتی به جریان آزاد رقابت وارد می‌کنند نیز امری تعیین‌کننده در احراز قاعده معقولیت است. چنانچه مرجع رسیدگی کننده به این نتیجه برسد که اعمال مزبور ضمن داشتن دو شرط فوق (معقولیت و مزیت جبرانی) ضرر جدی به جریان رقابت وارد نمی‌کند، مانع اقدام مزبور نخواهد شد؛ بنابراین یک محدودیت زمانی نامشروع و غیرقانونی است که تأثیرات مخرب آن در جریان رقابت، بر منفعت آن بچربد (Feldman, 2007, p. 56).

۶. تنظیم رویکردهای بالقوه ضدرقابتی در قراردادهای ائتلاف

طبق تعریف ارائه شده در قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ایران، «رقابت وضعیتی است در بازار که در آن تعدادی تولیدکننده، خریدار و فروشنده مستقل برای تولید، خرید و یا فروش کالا یا خدمت فعالیت می‌کنند، به طوری که هیچ‌یک از تولیدکنندگان، خریداران و فروشندگان قدرت تعیین قیمت را در بازار نداشته باشند یا برای ورود بنگاه‌ها به بازار یا خروج از آن محدودیتی وجود نداشته باشد» (بند ۱۲ ماده ۱ قانون مزبور). در مقابل، «انحصار به مفهوم وضعیتی در بازار که سهم یک یا چند بنگاه یا شرکت تولیدکننده، خریدار و فروشنده از عرضه و تقاضای بازار به میزانی باشد که قدرت تعیین قیمت و یا مقدار را در بازار داشته باشد، یا ورود بنگاه‌های جدید به بازار یا خروج از آن با محدودیت مواجه باشد» (بند ۱۳ ماده یک قانون مزبور). در ادامه وضعیت رویکردهای ضدرقابتی در قراردادهای ائتلاف در حقوق ایران بررسی می‌شود.

۱-۶. رویه‌های ضدرقابتی مربوط به ورود به توافق ائتلاف

ادغام گواهی‌های ثبت اختراع ممکن است تأثیرات متفاوتی در رقابت داشته باشد؛ برای مثال مواردی که تمامی گواهی‌های ثبت اختراع در ادغام ضروری هستند با مواردی که فقط برخی از گواهی‌ها ضروری هستند متفاوت‌اند. گواهی حق اختراعی ضروری به‌شمار می‌رود که در صورت عدم کسب اجازه از صاحب آن، نقض حقوق صاحب حق اتفاق خواهد افتاد.^۴ در صورتی که تمامی گواهی‌های ثبت اختراع برای انجام توافق ضروری باشد و حق اختراع‌های مزبور به صورت متقابل یکدیگر را تکمیل کنند و همچنین شرایط صدور مجوز برای همه‌ی اعضا ثابت باشد،

1. Redeeming Virtues
2. Appalachi Coal
3. Competitive Harm

۱. (نکته ۱۱) در اینجا گواهی ثبت اختراعی که برای به‌کارگیری کارکردها و تأثیرات مشخصات ضروری است، به گواهی ثبت اختراعی گفته می‌شود که در پذیرش مشخصات به‌طور اجتناب‌ناپذیری نقض می‌شود، یا گواهی ثبت اختراعی که از نظر عملی به‌طور اجتناب‌ناپذیری نقض می‌شود، اگرچه به لحاظ فنی قابل اجتناب است.

در این موارد جریان رقابت محدود نشده است. مسئله‌ای که برای اطمینان از ضدرقابتی نبودن توافق باید در نظر داشت این است که فقط گواهی‌های ثبت ضروری در قرارداد داخل شوند و علاوه بر این، لازم است یک نهاد شخص ثالث مستقل با تخصص فنی ضروری بودن یا نبودن حق اختراع را مشخص کند.

در مقابل و در فرضی که توافق ائتلاف شامل گواهی‌های ثبت اختراع ضروری و غیرضروری می‌شوند، در صورتی که گواهی‌های غیرضروری به فناوری‌های جایگزین مربوط باشد، مشخص است که قرارداد ائتلاف رقابت بین فناوری‌های قابل جایگزین را تحدید می‌کند. در همین فرض، در صورتی که برخی از دارندگان گواهی‌های ثبت اختراع غیرضروری داخل قرارداد ائتلاف باشند و برخی نتوانند به آن وارد شوند، در این وضعیت نیز گواهی‌های خارج از قرارداد امکان رقابت با سایرین را از دست می‌دهند و در نتیجه نمی‌توان از تأثیرات ضدرقابتی چنین ائتلافی چشم‌پوشی کرد.

مشخص است که قوانین فعلی حقوق ایران در زمینه رقابت، این مورد را پوشش نمی‌دهند؛ چراکه موضوع مزبور امری کلی نیست و مختص توافق‌های طرفین تحت قرارداد ائتلاف است و لازم است با توجه به تفکیک فوق در مورد آن قانون‌گذاری شود.

همچنین محدود کردن مشارکت در ادغام حق اختراع‌ها به افرادی که شرایط خاصی دارند، اگر شرایط مزبور منطقی و برای اداره فعالیت ضروری باشند، با قواعد حقوق رقابت تعارضی ندارند. برای مثال، در زمینه محدودیت‌های اعمال شده بر افرادی که در ادغام شرکت می‌کنند، توزیع هزینه‌های صدور مجوز بر مبنای اهمیت هر گواهی ثبت اختراع یا بر مبنای این که آیا شرکت‌کننده نیز محصولات مشابهی را تولید و توزیع می‌کند، نقض قواعد رقابت به‌شمار نمی‌رود. در مقابل، اعمال محدودیت‌ها بر مشارکت‌کنندگان در قرارداد ائتلاف در خصوص استفاده از گواهی‌های ادغام‌شده آن‌ها از قبیل منع کردن از صدور مجوز برای ثبت اختراع خود بدون طی کردن مرحله ادغام، با توجه به غیرضروری بودن آن برای ائتلاف و اخلاقی که در جریان رقابت ایجاد خواهد کرد، نقض قواعد رقابت را در پی خواهد داشت. این رویکرد می‌تواند تحت عنوان «تبعیض در شرایط معامله» مشمول بند «ج» ماده ۴۵ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قرار گیرد.

۲-۶. رویه‌های ضدرقابتی مربوط به مدیریت فرایند ادغام

مدیریت اجرای قرارداد ائتلاف تأثیر بسزایی در اجرا و نظارت بر آن دارد. معمولاً مدیریت ائتلاف است که مجوز بهره‌برداری را اعطا می‌کند، هزینه‌های صدور مجوز را ادغام می‌کند و از رعایت شرایط ائتلاف از سوی اعضا اطمینان حاصل می‌کند. طبیعی است که در راستای اجرای امور مزبور، نهاد مدیریتی اطلاعاتی سرّی درباره‌ی کسب‌وکار دارندگان مجوز از قبیل حجم تولید و قیمت فروش محصولاتشان و... به‌دست می‌آورد. اگر شرکت‌کنندگان یا دارندگان مجوز ادغام بتوانند به این اطلاعات سرّی دسترسی داشته باشند، این خطر وجود دارد که آن‌ها از این اطلاعات برای انجام فعالیت‌هایی که ناقض قواعد رقابت استفاده کنند، مثل قراردادن سهمیه تولید یا فروش یا قیمت‌گذاری. با توجه به این که اقدامات مزبور ناقض قواعد رقابت‌اند، محدود کردن دسترسی به اطلاعات محرمانه درباره‌ی فعالیت‌های دارندگان مجوز، که از طریق نهاد مدیریتی ادغام شده است، بسیار اهمیت دارد. به‌نظر می‌رسد که راهکار مطلوب در این مورد، برون‌سپاری مدیریت ائتلاف به شخص ثالثی است که هیچ ارتباط انسانی یا سرمایه‌ای با شرکت‌کنندگان در ادغام ندارد.

۳-۶. فراهم کردن شرایط متمایز صدور مجوز

ممکن است در قرارداد ائتلاف شرایط متمایزی برای اعضا در نظر گرفته شود؛ از جمله دامنه‌ی کاربرد مجاز گواهی‌های ثبت اختراع (به‌لحاظ زمینه‌های فنی، مناطق جغرافیایی و غیره) و نیز ممکن است اعطای مجوز به اعضا شرایط متفاوتی داشته باشد. به‌طور کلی، تعیین قیمت‌های اعطای مجوز بر مبنای وضعیت عرضه و تقاضا در بازارهای پایین‌دستی یا حجم محصولات تولیدشده و بازاریابی‌شده برخلاف قواعد رقابت نیستند، اما اگر شیوه اعمال این شرایط به‌صورت تبعیض‌آمیز بوده یا موقعیت انحصاری برای یک یا چند عضو ایجاد کند و یا موقعیت معاملاتی برتر برخی اعضا را تقویت کند، قطعاً چنین رویکردی در تعارض با قواعد رقابت است؛ بنابراین وجود شرایط متفاوتی که مبنای منطقی و علمی

ندارند و تفاوت در هزینه‌های کسب مجوز بدون علت موجه در تعارض با قواعد رقابت خواهند بود. این مورد نیز ممکن است تحت عنوان «قائل شدن شرایط تبعیض آمیز در معامله با اشخاص مختلف در وضعیت یکسان» مشمول ممنوعیت ماده ۴۴ قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قرار گیرد.

۴-۶. محدودکردن فعالیت‌های تحقیق و توسعه

وجود شروطی در قرارداد ائتلاف که تحقیق و توسعه در باره‌ی فناوری‌های موضوع ائتلاف یا رقابت با فناوری‌ها به صورت مستقل یا مشترک یا با اشخاص ثالث و یا ایجاد آن فناوری‌ها را دشوار کند، خطر محدودکردن رقابت در بازار محصول و فناوری را در پی خواهد داشت. درعین حال، باید توجه داشت که اگر قرارداد ائتلاف محرمانه باشد یا در بخش محرمانگی ائتلاف ترکیبی، محدودکردن تحقیق و توسعه در این مدت و در موضوع ائتلاف منطقی تلقی می‌شود. همچنین با توجه به هدف طرفین از قرارداد ائتلاف، محدودکردن پروژه‌های تحقیق و توسعه اعضا با اشخاص ثالث - در مواردی که هدف یکسان یا بسیار مشابهی را دنبال می‌کنند - شرطی خلاف قواعد حقوق رقابت تلقی نمی‌شود. در بررسی هریک از موارد فوق، باید به مفاد قاعده معقولیت توجه شود؛ در نتیجه اگر چند شرکت رقیب به منظور سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه‌ای که انجام آن از عهده یکی از آن‌ها به تنهایی یا جمعی از سایر رقبای امکان‌پذیر نیست، برخی فعالیت‌های تحقیق و توسعه را محدود کنند و محصول یا اختراع نهایی نقشی چشمگیر در پیشرفت آن صنعت داشته باشد، می‌توان این قرارداد را تجویز کرد. نباید از یاد برد که جریان آزاد رقابت بخشی از پازلی بزرگ‌تر به نام رشد و توسعه اقتصادی است که باید آن را در کلیت در نظر داشت. اعمال قاعده معقولیت در موارد فوق، موجب می‌شود توافق‌هایی که حاوی رویکردهای ضدرقابتی هستند اما رویکرد مزبور به دلیل نیاز به آن برای پیشرفت بیشتر صورت گرفته و لطمه اساسی به جریان رقابت وارد نکرده‌اند، امکان اجرا پیدا کنند.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی‌های انجام‌شده در پژوهش حاضر نتایج زیر به دست آمد:

الف) قرارداد ائتلاف در حقوق ایران سابقه چندانی ندارد، اما می‌توان آن را نمونه‌ای از گروه اقتصادی با منافع مشترک مندرج در قانون احکام توسعه دانی کشور تلقی کرد؛ البته اگر نظریه‌ای که گروه منفعت اقتصادی را - که دارای شخصیت حقوقی جدید و مستقل از اعضای خود است بپذیریم - دیگر نمی‌توان قراردادهای ائتلاف را زیرمجموعه آن دانست؛ زیرا در قراردادهای ائتلاف، الزاماً شخصیت حقوقی جدیدی ایجاد نمی‌شود. درعین حال که با توجه به ابداعی بودن گروه منفعت اقتصادی به دست قانون‌گذار ایرانی نمی‌توانیم ارتباط جدی و دقیقی را بین قرارداد ائتلاف و گروه منفعت اقتصادی مشخص کنیم، با همین نگاه است که بین گروه منفعت اقتصادی و قرارداد ائتلاف تفاوت‌هایی را قائلیم که مهم‌ترین آن، به وجود نیامدن شخصیت حقوقی جدید پس از انعقاد قرارداد ائتلاف است.

ب) با وجود ظاهر اختلاف در قواعد حق اختراع و قواعد حقوق رقابت، افزایش نوآوری هدف مشترک هر دو است که نتیجه‌ی غایی آن، افزایش رفاه مصرف‌کننده و حفظ جریان رقابت است. انتقال حق اختراع در قالب قراردادهای ائتلاف شیوه‌ای رایج در دنیای امروز است که در حقوق ایران چارچوب آن به خوبی مشخص نشده است. قراردادهای ائتلاف به دلیل شکل خاص قرارداد که رقبا را در یک قرارداد متمرکز و متعهد می‌کند و عملاً یک توافق بین رقبا شکل می‌گیرد، در مظان اتهام ضدرقابتی بودن هستند، اما در واقع (این توافق‌ها در ذات خود محل جریان رقابت نیستند و در صورتی می‌توان اعمال آن‌ها را ضدرقابتی دانست که رویه‌های مزبور، مشمول ممنوعیت‌های قانونی در قواعد رقابت بوده و همچنین با اعمال قاعده معقولیت، مزایای اقدامات آن‌ها از معایبشان بیشتر نباشد.

ج) مشخص است که برخی (خصوصاً ضدرقابتی در قراردادهای ائتلاف مانند محدودیت در تحقیق و توسعه به اعضای ائتلاف، شرایط خاص اعطا و بهره‌برداری از مجوز، محدودیت در دسترسی به مدیریت اقدام ائتلاف (و همچنین محدودیت در ورود به ائتلاف از مصادیق خاصی هستند که تحت ممنوعیت‌های کلی قواعد رقابت در حقوق ایران قرار نمی‌گیرند؛ بنابراین تنظیم این موارد نیازمند قانون‌گذاری است.

د) با توجه به نقش تعیین‌کننده عنصر معقولیت در ضدرقابتی تلقی‌نشدن این اقدامات در قراردادهای ائتلاف به صورت خاص و همچنین در سایر فعالیت‌های ضدرقابتی به صورت کلی، به نظر می‌رسد استفاده منصوص‌کردن از قاعده معقولیت در قوانین رقابت ایران می‌تواند راه را برای حفظ توافقی‌هایی که ضمن داشتن رویه‌های ضد رقابتی، آثار اقتصادی و اجتماعی مثبت چشمگیری دارند و یکی از روش‌های تسهیل‌کننده انتقال حقوق اموال صنعتی است باز می‌گذارد. این رویکرد با قواعد حقوق کشورهای پیشرفته در این زمینه منطبق است.

منابع

- چالشتری، محمود (۱۳۹۵). مفهوم و اوصاف قرارداد مدیریت جمعی حق اختراع و تمیز آن از مفاهیم مشابه، مجلس و راهبرد، ۲۳(۸۷)، ۲۶۲-۲۳۳.
- رستم‌زاده، قاسم علی (۱۳۹۰). بررسی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹ (گروه اقتصادی با منافع مشترک). ماهنامه آموزش دادگستری استان تهران (قضاوت). ۱۸(۷۴)، ۱۵۳-۱۷۶.
- رهبری، ابراهیم (۱۳۹۲). حقوق انتقال فناوری، تهران: سمت.
- عادل، مرتضی و جعفری چالشتری، محمود (۱۳۹۴). قرارداد ائتلاف در حق اختراع، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۰(۷۱)، ۹۵-۱۲۳.
- علوی باجگانی، سیدمهدی (۱۳۹۸). نگاهی به آیین‌نامه «تشکیل گروه اقتصادی با منافع مشترک». کد خبر: ۶۰۱۹. تاریخ انتشار: چهارشنبه ۴ دی ۱۳۹۸ (آخرین بازدید: ۱۴۰۱/۰۵/۱۱)
- غفاری فارسانی، بهنام (۱۳۹۲). حقوق رقابت و ضمانت اجراهای مدنی آن. تهران: نشر میزان.
- مظاهری کوهانستانی، رسول و ناصری، شبنم (۱۳۹۹). بررسی قرارداد واگذاری اختراع، مجله حقوقی دادگستری، ۸۴(۱۰۹)، ۱۹۱-۲۲۶.
- هداوند، مهدی (۱۳۸۴). حقوق مالکیت صنعتی و قراردادهای بین‌المللی. مجله تدبیر، ۱۵۸.
- Antonipillai, J., & Lee, M. K. (2016). Intellectual property and the US economy: 2016 update. Washington, DC, Economics & Statistics Administration and US Patent and Trademark Office. <https://www.uspto.gov/sites/default/files/documents/IPandtheUSEconomySept2016.pdf>.
- Feldman, Gabriel A. (2007). Misuse of less restrictive alternative inquiry in the rule of reason analysis, American University Law Review. Available at <http://digitalcommons.wcl.american.edu/aulr>.
- Goter, P. W. (2010). Princo, Patent Pools, and the Risk of Foreclosure: A Framework for Assessing Misuse. *Iowa L. Rev.*, 96, 699.
- Schneidman, E. J. (1983). The Creation of a Separate Rule of Reason: Antitrust Liability for the Exchange of Price Information among Competitors. *J. Reprints Antitrust L. & Econ.*, 13, 697.
- Telesio, P. (1984). Foreign licensing in multinational enterprises. *Technology crossing borders. Harvard: Harvard Business School*.